

تغییر و تحولات جهانی، آموزش و پژوهشهای مربوط به مدیریت و بازرگانی

□ نوشته: دکتر حسین رحمان سرشت
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

انگلستان به عنوان کشوری که چندان با اتحاد اروپا موافق نبود، به دایر شدن تونلی که رفت و آمد از زیر کانال مانش را ممکن سازد رضایت داد و به این ترتیب به نزدیکتر شدن به مجموعه‌ای از کشورهای اروپایی رغبت نشان داد. از جمله اقداماتی که برای وحدت اروپا به عمل آمده و بخصوص به جهت هماهنگی با عنوان این مقاله قابل ذکر است، دایر شدن مؤسسه آموزش عالی اروپا است. این مؤسسه مأموریت دارد به آموزش برای تعدادی از سازمانهای دولتی اتحادیه اروپا بپردازد تا بتوانند با آشنایی به زبان و قوانین چند کشور ذریبط، با کیفیتی درخور توجه امور مشترک آن کشورها را انجام دهند.

اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز که قبل از موافقت با

دیوار بین دو آلمان شرقی و غربی به قدرت سریع فرو ریخت که بسیاری از مردم جهان فرصت نیافتند در باره پیامدها و ارتباط آن با زندگی آتی خود آنقدر که باید، بیندیشند. در واقع اگر فرو ریختن دیوار مذکور در متن دیگر اتفاقات جاری در جهان مشاهده می‌گردید بر همه آشکار می‌شد که تخریب آن دیوار صرفاً به منزله یکپارچه شدن یک سرزمین شقه شده نبود، بلکه به معنی فرو ریختن برخی از دیوارهای ایدئولوژیک و مرزهای ذهنی دیگر نیز بود.

البته قبل از فرو ریختن دیواری که آلمان را به دو قسمت کرده بود، جمعی از کشورهای اروپای غربی مشغول برنامه‌ریزی برای برداشتن مرزهای بین خود بودند. حتی

برداشتن دیوار بین دو آلمان، به شکلی ورشکستگی «مارکسیزم» را اعلام کرده بود، آینده خود را در مجموعه اتحادیه اروپا جستجو کرده و می‌کند.

زوال دولتهای مارکسیست در کشورهای اروپای شرقی و تمایل آنها به پیوستن به اتحادیه اروپای غربی، نزدیک شدن چین و ژاپن و سنگاپور و کره به یکدیگر، تمایل دو کره جنوبی و شمالی و دو بخش یمن شمالی و جنوبی به یکپارچه شدن، دولتمردان آمریکا را نسبت به ادامه اتحاد خود نه تنها با اروپا، بلکه با برخی دیگر از متحدین سستی خود مردد ساخته و آن را به ایجاد یک اتحادیه جدید آمریکایی در چارچوب مرزهای قاره آمریکا ترغیب کرده است. بطور کلی این که جهت این تغییرات به کدام سو خواهد بود و چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت فعلاً دقیق مشخص نیست. ولی آنچه وقوعش قطعی به نظر می‌رسد، شکل‌گیری یک نظام یا یک شکل نوین جهانی است. بعید به نظر می‌رسد در آینده این شکل نوین جهانی به صورتی که سیاستمداران آمریکا میل دارند، شکل گیرد و شاید اصولاً به شکلی تجلی کند که حتی همه صاحب‌نظران را متعجب سازد. با این حال شرایط و اوضاع جهان به گونه‌ای است که با کمی دقت می‌توان راجع به ویژگیهای نظام نوین جهان حدسیهایی زد. پرداختن به این حدسها، به خصوص اگر بتوانند تا حد امکان به صورتی واقع بینانه و به دور از حب و بغضها ارائه گردد، نه تنها کاری بیهوده نیست، بلکه لازم و ضروری است. در واقع اگر نخواهیم در کنار صحنه اتفاقات جهانی در کسوت یک تماشاچی حضور یابیم و به عکس بخواهیم در آفرینش نقشها تأثیری هر چند اندک داشته باشیم قاعدتاً تنها نباید برای رویارویی با حوادث آینده آماده شویم، بلکه باید در خود تواناییهای معنوی و مادی لازم را برای طراحی روندهای آتی ایجاد کنیم. برای آنکه چنین تواناییهایی را در خود ایجاد کنیم ابتدا حداقل باید راجع به آینده عمیقاً بیندیشیم و سپس به اقداماتی

متناسب با یافته‌های خود پردازیم.

البته منظور از این مقاله پیش‌گویی در مورد جوانب مختلف آینده نیست، به علاوه نویسنده قصد ندارد حتی در یک زمینه مربوط به آینده به طور جامع و مانع سخن گوید. معذالک نویسنده به عنوان یک مدرس مدیریت خود را موظف می‌بیند تا نظر خود را در مورد آنچه به نظر می‌رسد می‌باید در مورد آموزش و تحقیقات مدیریت و بازرگانی در کشور صورت گیرد بیان کند تا میهن‌اسلامیمان حداقل آمادگی را برای اتخاذ تصمیمات عمیق و بجای در برابر اتفاقات اجتماعی و اقتصادی جهانی که تصمیماتی را طلب می‌کند داشته باشد. بدیهی است که اگر این مقاله صاحبان رای و اندیشه را به ادامه بررسی و مباحثه در این زمینه‌ها، - هر چند به نیت انتقاد این‌گونه - مقاله ترغیب و تشویق کند به هدف خود رسیده است.

طبعاً در صورتی آموزش و تحقیقات مدیریت، پویا و چاره‌ساز خواهد بود که بتواند به نیازهای متج از شرایط ملی و بین‌المللی پاسخ دهد. بنابراین لازم است قبل از آن که چند ویژگی کلی برای آموزش و تحقیقات مدیریت قائل شویم، به طور خلاصه چند پی‌آمد احتمالی ناشی از شرایطی را که بنا بر مقدمه در حال استیلا بر کره خاکی است مورد توجه قرار دهیم.

چالشها و هم‌آورد طلبیهای ناشی از تغییرات جهان:

چنانکه از مقدمه قابل استنباط است، تا فرو ریختن بسیاری از مرزهایی که کشورها را از هم جدا می‌کند راه زیادی باقی نمانده است. البته ممکن است مرزهای عقیدتی، فکری و سیاسی (حتی به کمک توسعه شبکه جهانی تلویزیونی که شاید از ۱۹۹۴ دایر شود) به سادگی از بین رفتنی نباشد ولی بعید است برای از میان رفتن مرزهای روابط اقتصادی و بازرگانی صبر و تأمل زیادی لازم باشد. فرو ریختن همین مرزها می‌تواند فروپاشی دیگر دیوارها را

به دنبال آورد. به این خاطر است که شاید سخن گفتن از «شهروندی» و یا «جهان‌وندی» سخنی بجا بشمار آید. به این جهت شاید در آینده ناسیونالیسم مفهوم گذشته و حال خود را از دست بدهد. فرو ریختن بسیاری از محدوده‌ها نابودی بسیاری از حریمها از جمله حریمهای ایمان و ملیت را محتمل می‌سازد. بروز چنین اتفاقی به سادگی می‌تواند ما را به بی‌هویتی رهنمون گردد. طبعاً سعی خواهد شد تا آن شرایط تحت شعارهای عوام‌فریبانه‌ای مانند «آزادی» و «دموکراسی» دلبزیر جلوه داده شود و به این ترتیب زمینه‌ای به وجود آید که در آن پذیرش سیاستهای قدرتمندان و زورمداران نه تنها مشروع، بلکه اجتناب‌ناپذیر شود. در آن اوضاع دلواپسی در مورد از دست رفتن ذخایر و ثروت‌های طبیعی نگرانی بی‌موردی خواهد بود، زیرا که جا برای تشویش‌های بسیار عمیق‌تر دیگری وجود خواهد داشت؛ نگرانی راجع به از دست رفتن منابع انسانی و ذخایر معنوی.

بدیهی است که برای پاسخ‌گویی به هم‌اوردطلبی‌های متج از شرایط آتی جهان، نمی‌توانیم گوشه‌انزوا برگزینیم، چون اصولاً گوشه‌ای برای انزواطلبی نخواهیم یافت. بنابراین در واقع «شهروندی جهان» یا «جهان‌وندی» نه یک اختیار، بلکه یک اجبار خواهد بود. حال که باید به آن جبر تن در دهیم، چرا «جهان‌وندی» درجه دو یا سه شویم؟ اما برای آنکه جهان‌وند درجه دو یا سه نباشیم باید نقش خود را در جهان دوباره تعریف و جایگاه خود را به طور روشن‌تری تعیین کنیم. باید مرزهای ایمان، ملیت و هویت ملی (و نه لزوماً ناسیونالیسم ایرانی) خود را برای صیانت از آنها به طور مشخصی معلوم سازیم. سپس لازم است عناصر اصلی ایمان، وحدت و هویت خود را در برنامه‌های درسی در کلیه سطوح و نیز در طرح‌های فرهنگی خود بگنجانیم و آنها را در اذهان و افکار دانش‌آموزان، دانشجویان و کلیه مردم کشور پهرورانیم.

بی‌تردید صاحب‌نظران رشته‌های مختلف در جاهای مناسب جنبه‌های گوناگون موارد فوق را برای ارائه پیشنهادات اجرایی به مجریان امور مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند داد. به این لحاظ در ادامه، مختصراً ضرورت‌های مدیریتی و تجاری ناشی از تحولات احتمالی جهانی را مورد بحث قرار می‌دهیم و سپس به چند نکته که رعایت آنها در تجدید نظر راجع به برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مدیریت و بازرگانی می‌تواند مفید باشد اشاره‌ای می‌نماییم. بدیهی است اگر اولین مرزهای مورد تهاجم، مرزهای اقتصادی و بازرگانی باشد، نگهداری این مرزها بگونه‌ای که هم آنها باز بمانند و هم در عین حال هموارکننده راه برای ورود سایر مهاجمان نباشند، از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهد بود. برای مشخص ساختن ضرورت و اهمیت توجه فوری به امر بالا بردن یا شکوفا کردن استعداد‌های کشور در زمینه مدیریت و بازرگانی یادآوری یک نکته از تاریخ اسلام لازم است. از تاریخ مذکور اینطور پیداست که اسلام توسط بازرگانان و از راه تجارت به اقصی نقاط جهان راه یافته است. اگر این مطلب صحت داشته باشد، شرک و کفر هم می‌تواند از همین طریق بر کشورهای اسلامی سیطره یابد. بنابراین ضرورت ممانعت از رسوخ انحرافات به کشورهای اسلامی از یک سو و لزوم اشاعه حق با استفاده از راه‌های پیشین از سوی دیگر ایجاب می‌کند تا علاوه بر برنامه‌ریزی برای ارتقاء آگاهی‌های عمومی، جبهه مدیریت و بازرگانی کشور به شدت تقویت شود.

آمادگی برای بازارهای یکپارچه جهانی:

برای کسب آمادگی جهت اظهار وجود در بازارهای بی‌مرز یا یکپارچه جهانی حداقل می‌باید موارد زیر را مورد توجه قرار دهیم:

۱- طراحی استراتژی‌هایی برای تولید کالاها یا خدمات -
تولیدی که ضمن برخورداری از کیفیتی در سطح کالاها و
خدمات موجود در جهان، حداقل از قیمتی در سطح قیمت
محصولات مذکور نیز برخوردار باشد.

۲- به وجود آوردن اتحادیه‌های استراتژیک که موفق
شدن این گونه اتحادیه‌ها عمدتاً در گرو توجه به مجموعه‌ای
از عوامل انسانی است.

۳- به وجود آوردن مکانیزم‌هایی برای ایجاد
هماهنگی‌ها و مشارکتهایی در سطح جهان - این امر به این
معنی است که به وجود آوردن ساختارها و فرآیندهای
سازمانی در یک مقیاس جهانی ضرورت دارد.

۴- به وجود آوردن فرآیندهای جدیدی برای
کارگزینی، رشد و توسعه این امر به این معنی است که یا باید
مدیران و رهبرانی در مقیاس ملی و جهانی پرورش داده
شوند و یا نابودی در جهان پذیرفته گردد.

۵- طراحی استراتژی رقابتی زمان مدار - این امر به این
معنی است که کاهش زمان قابل تخصیص به کلیه زمینه‌های
تجارت و بازرگانی ضرورت دارد. بنابراین کاهش زمان
برای مواردی مانند طراحی محصولات جدید، تولید،
توزیع و نظایر آنها از جمله پیش نیازهایی است که برای قدم
نهادن به بازارهای جهانی لازم است.

طبعاً پاسخگویی به ضرورتهای فوق، به افرادی با
ویژگیها و مهارتهایی خاص نیاز دارد که چند مورد از آنها
را به اجمال شرح می‌دهیم.

ویژگیهای رهبران تجاری و بازرگانان آینده برای فعالیت در
یک سطح جهانی

الف - ذهنیت، نگرش و بینش جهانی : تصمیم‌گیری در
متن تغییرات و تحولات سریع و حیرت‌آور محیطی مثل
تغییرات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و
فرهنگی و مواردی که مقدمتاً به آنها اشاره شد دشوار است.

کسب تواناییهای لازم برای تصمیم‌گیری در چنین شرایطی
ضرورت به فعل در آوردن نیروهای بالقوه مدیران آینده را
ایجاب می‌کند. لازم است بر تواناییهای ذهنی و عقلی
افزوده شود و از این طریق قدرت تجزیه و تحلیل رویدادها
و مسائل جهت یافتن چارچوبهایی به منظور درک واقعی
اوضاع و شرایط و استنتاج از آنها در رابطه با تجارت برای
انجام اقدامات صحیح رشد یابد.

ب - مهارتهای مورد نیاز برای اعمال رهبری در یک
سطح جهانی : مدیران برای اعمال رهبری در یک جامعه
جهانی پرتلاطم نمی‌باید صرفاً به برخورداری از مهارتهای
مدیریتی معمول دلخوش کنند. در واقع هم‌اورد طلبیهای
شرایط جاری و آینده ایجاب می‌کند، آنان خود را حداقل
به مهارتها و تواناییهایی از قبیل موارد زیر مسلط و مجهز
سازند :

۱ - کسب اطلاعات مؤثر و مربوط و لازم از همه جای
کره زمین برای تجزیه و تحلیل و حل مسائل پیچیده.

۲ - درک تفاوت‌های فرهنگی و احترام قائل شدن برای
فرهنگهای مختلف بدون خود باختگی در برابر برخی از
جلوه‌های دلفریب و در باطن مخرب آنها.

۳ - ایجاد کردن ارتباط با دارندگان فرهنگهای متفاوت.
۴ - درک امور و مسائل جهان از قبیل امور و مسائل
سیاسی، اقتصادی.

۵ - مداومت در افزایش توانایی خود در زمینه‌های فوق
و تشویق و ترغیب اطرافیان به اخذ آن تواناییها.

۶ - افزایش ایمان خود به راه و مسیر برای نیل به اهداف.

ج - مهارتهایی برای تشکیل تیمهای جهانی : چنان که
گفته شد دنیای تجارت با هم‌اورد طلبیهای فزاینده‌ای روبرو
است. این امر ایجاب می‌کند تا عده‌ای از متخصصان از
کشورهای مختلف گرد هم آمده و در قالب تیمها و گروهها
برای رویارویی با مسائل چاره اندیشی کنند. طراحی
محصولات جدید (اعم از خدمات و کالاها)، بازاریابی،

تخصیص منابع، و تولید به سبک و سیاقی نو و متناسب با نیازهای جدید از جمله مواردی است که گروهها باید به آنها بپردازند. از این رو مدیران و رهبران سازمانها می باید واجد تواناییهای لازم برای تشکیل چنین گروههایی باشند و باید بتواند به خوبی آنها را در جهت تحقق اهداف بسیار پیچیده‌ای مانند اهداف فوق هدایت نمایند.

د - توانایی فعالیت در یک شبکه جهانی: خصیصه بارز یک مدیر جهانی توانایی بسیار زیاد او در انجام تجزیه و تحلیل امور و مسائل جهانی است. بنابراین باید بخوبی بتوانند از عهده پیوستن به شبکه‌های جهانی برآید و حتی باید توانایی آن را داشته باشد که شبکه‌هایی به وجود آورد که راهگشای تصمیم‌گیریهای بسیار حساس و تأثیرگذار بر مردم جهان باشد.

روشن است که ایجاد کردن ویژگیهای فوق در مدیران آینده مستلزم وسیله‌ای مناسب است و روشن تر آن که دانشکده‌ها و مراکز آموزش مدیریت با برنامه‌های درسی فعلی خود نمی‌توانند آن وسیله مناسب بشمار آیند و به پرورش مدیران جهانی بپردازند. بنابراین ما به دانشکده‌ها و مراکز آموزش مدیریت با ویژگیهایی متفاوت با مؤسسات موجود نیازمندیم. در ادامه بحث برای اختصار فقط به چند خصوصیت مراکز آموزش عالی مدیریت و بازرگانی پیشرو اشاره می‌کنیم.

مراکز آموزش مدیریت و بازرگانی پیشرو:

مراکز آموزش مدیریت و بازرگانی اعم از مؤسسات آموزش عالی و غیر آنها:

۱ - نباید صرفاً به آموزش جنبه‌های تئوریک و نظری مدیریت و تجارب بپردازند. هر چند آنها می‌توانند موضوعاتی را که به طور سنتی تدریس می‌شود همچنان مورد استفاده قرار دهند، اما در عین حال لازم است با تحقیقات همه جانبه امور و مسائل دنیای مدیریت و

بازرگانی روز را روشن سازند و آنها را سازماندهی کنند و سپس جزو برنامه درسی دانشگاه در آورده همراه با جنبه‌های عملی موضوعات یاد شده تدریس نمایند. بنابراین مراکز آموزش عالی مدیریت و بازرگانی و همچنین مراکز صنعتی و بازرگانی کشور می‌باید با مشارکت و همکاری نزدیک و متقابل به آموزش مدیران جهانی فرد همت گمارند و با راه جوییهای مشترک به کارورزیها و کارآموزیها نقشی اساسی و اصولی دهند.

۲ - برنامه‌های آموزشی باید به جنبه‌های بین‌المللی توجه قابل ملاحظه مبذول کند. البته تدریس جنبه‌های بین‌المللی نباید صرفاً انتقال مثنی اطلاعات در مورد سازمانهای بین‌المللی صنعتی، بازرگانی، بانکی و یا ترفه‌ها به دانشجو باشد و بلکه باید آموزش ابعاد عملی صنعت و تجارت بین‌الملل در کنار توضیح تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جهانی به آنان را در برداشته باشد.

۳ - با عنایت به موارد فوق طبعاً شرکت استادان و دانشجویان در جلساتی مانند جلسه گروه ۷۷ و ملاقاتهای کاری که برای مذاکره در مورد امور تجاری و بازرگانی اتفاق می‌افتد به منزله شرکت در کلاسهای درس عملی بازرگانی بین‌الملل و جزء جدایی ناپذیر از یک برنامه آموزش مدیران پیشرو بشمار آید. به علاوه همراهی استادان و دانشجویان با بازرگانان و مقاماتی که برای مذاکره با بازرگانان و مقامات خارجی در مورد امور بازرگانی، تجارت و صنعت، معدن و نظایر آنها به دیگر کشورها سفر می‌کنند ضرورتی دیگر برای پرورش مدیران جهانی است. این مسافرتها، سفرهای علمی و به عبارتی کلاسهای عملی خواهد بود که در وسیعتر ساختن افق دید و آموختن درس راجع به آنچه که باید انجام گیرد و یا نباید انجام گیرد تأثیری بی‌چون و چرا خواهد داشت. در واقع موارد یاد شده باید به صورت بخشی از دوره تحصیلات دانشگاهی در آید و نباید به عنوان فوق برنامه تلقی گردد.

۴ - مبادرت به اقدامات فوق می تواند مدیران آتی ما را صرفاً مقلدان و دنباله‌روهای خوبی کند ولی معلوم نیست از آنان مبتکران و رهبرانی خلاق بسازد. برای پرهیز از گرفتار شدن در دام تقلید کورکورانه، پرورش روحیه نوجویی ضرورت دارد. بدین لحاظ برنامه‌های درسی و روش تدریس باید بگونه‌ای باشد که میل به خلاقیت و نوآوری را در دانشجویان به شدت تقویت کند. متعدد بودن موضوعات مورد تدریس لزوماً از دانشجویان رهبرانی که از عهده هم‌اورد طلبیهای دنیای متلاطم تجارت و صنعت جهانی برآیند نخواهد ساخت، اما دادن امکان به آنان برای بحث و بررسی آزادانه در مورد پدیده‌های دنیای مذکور زمینه‌های لازم را برای پرورش آنان به عنوان تصمیم‌گیران مستقل و توانا به وجود خواهد آورد. بدیهی است که بحث و بررسی موضوعات به تنهایی کافی نیست، قاعدتاً مواد درسی و شیوه تدریس، باید به گونه‌ای شود که استادان و شاگردان را مرتباً در برابر مسائل قرار دهند و به این ترتیب استادان را ناگزیر سازد که به دانشجویان برای حل مسائل یاری دهند. طبعاً در خلال چاره‌جویی برای مسائل، استادان می‌توانند تواناییهای بالقوه ذهنی دانشجویان را به فعل برسانند. البته راههای دیگری نیز برای پرورش خلاقیت وجود دارد که می‌تواند جزو برنامه درسی دانشجویان قرار گیرد.

۵ - اجبار به استفاده از مترجم از تحرک مدیران می‌کاهد و عدم امکان ایجاد نمودن ارتباط مستقیم بین طرفین گفتگو می‌تواند منجر به سوء تفاهمهایی شود. به علاوه در حالی که هر لحظه باید در انتظار حادثه‌ای جدید در جهان بود استفاده سریع از منابع خارجی برای نشان دادن واکنش مناسب در برابر رویدادهای قابل اعتنا، بسیار مهم است. در واقع حتی یک غفلت کوتاه مدت یک مدیر می‌تواند در بردارنده عواقب جبران ناپذیری برای او و دیگران باشد. اما ضرورت داشتن ارتباط با مردم کشورهای مختلف، دیگر جایی جهت خوشحالی برای کسی که فقط با

یک زبان آشنا است باقی نمی‌گذارد. بدین لحاظ آشنایی قابل قبول و نه سطحی با دو زبان یک ضرورت غیر قابل اجتناب برای مدیران جهانی آینده است. شاید به همین دلیل است که تعدادی از دانشگاههای کشورهای اروپای غربی و آمریکا گروههای آموزشی بازرگانی و مدیریت خود را به دانشکده‌های زبانهای خارجی خود منتقل کرده‌اند. به هر حال صرف‌نظر از آنچه که دیگران انجام می‌دهند، ضرورت آشنایی مدیران ما با دو زبان محرز به نظر می‌رسد و بدین لحاظ آموزش زبانهای خارجی در دانشکده‌های مدیریت و بازرگانی باید به طور جدی پیگیری شود.

پایان سخن آن که در لحظاتی حساستر از آنچه که قبلاً قرار داشته‌ایم قرار داریم و به اقداماتی اساسی حداقل برای اصلاح نظام آموزشی خود نیازمندیم. قطعاً اصلاحات می‌باید فراگیر بوده و کلیه رشته‌ها را در برگیرد ولی حسب وظیفه و بنا به تخصص در اینجا با یک مقدمه در مورد اوضاع و احوال جهان و ارتباط آنها با ما، فقط به چند تغییری که به نظر می‌رسد باید در رشته‌های مدیریت و بازرگانی ایجاد شود اشاره شد. باید بدانیم که یک لحظه تأخیر هم برای ما سخت‌گران تمام خواهد شد. جا دارد با الهام از یک استاد دانشگاه و یک صنعتگر دو عبارت را که بر ضرورت ایجاد تغییرات فوری در برنامه‌های درسی مدیریت و بازرگانی دلالت دارد ذکر کرده و بحث را خاتمه دهیم.

- یا ما مبنا و فلسفه مؤثری را برای مطرح ساختن عملیات و مسائل مربوط به تجارت و صنعت امروز در کلاس پی می‌افکنیم و یا دیر یا زود در می‌یابیم که کارمان صرفاً تاریخ‌نگاری و تاریخ‌گویی بوده است بدون آن که (به دلیل بی‌ارتباطی همان تاریخ به کشورمان) توانسته باشیم از گذشته برای آینده درسی بگیریم.

- صنعت کشور در محاصره است و اگر مؤسسات کشور در مسیری که فعلاً در آن قرار دارند پیش روند، صنعت نیز در

همین وضع باقی خواهد ماند. بهبود شرایط در گرو ایجاد مراکز آموزش عالی جدید تحت عناوین کاربردی و یا عناوین دیگر نیست. پراکندن منابع و بیرون کشیدن تعداد معدودی استاد از دانشگاههای خود و بردن آنها به مؤسسه تحقیقاتی یا آموزشی این سازمان، آن وزارتخانه، و به آن دیگر دانشگاه کاربردی جدید، دردی را دوا نخواهد کرد. اولاً تمرکز منابع از نیروی انسانی گرفته تا سرمایه و تجهیزات در محیطهای اصلی خود و ثانیاً ایجاد کردن تغییراتی متناسب با نیازهای ملی و مقتضیات جهانی در مؤسسات آموزش عالی کشور به طور اعم و ایجاد تحولات بنیادی در مؤسسات عالی آموزشی و پژوهشی مربوط به رشته‌های مدیریت و بازرگانی از مهمترین عوامل رفع تنگنای صنعت و از مهمترین عناصر موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای کشور به شمار می‌آید.

منابع

۱- فکر نوشتن این مقاله پس از خواندن مقاله زیر در ذهن نویسنده پیدا شد و تا حدودی از آن مقاله متأثر است. بنابراین حفظ امانت ذکر نام نویسنده و محل چاپ نوشته او را به شرح زیر ایجاب می‌کند:

Tichy M. Noel. (Spring, 1990). " Introduction ". *Human Resource Development*. Special Issue on Global Research and Teaching in the 1990 ' s, v2q, NL.

۲- رحمان سرشت، حسین. (تابستان ۱۳۷۰) « تجربه‌ای در زمینه تصمیم‌گیری گروهی ، مطالعات مدیریت، دوره اول، شماره ۲، ص ۳۵-۱۵»